

امیرکا و صلح اعظم

از

حضرت شوقی ربانی

ولی امر آئین بهائی

ترجمہ و اقباس از

ہوشمند فتح اعظم

امیرکا و صلح اعظم

از

حضرت شوقی ربانی

ولی امر آئین بہائی

ترجمہ و اقباس از

ہوشمند فتح اعظم

از اشارات

دفتر امور اجنبی ایرانی - امریکائی

مجلس روحانی ملی بہائیان ایالات متحدہ

یولیت - ۲۰۰۴

مقدمه ناشر

در پیام رضوان ۱۶۰ بدیع، بیت العدل اعظم الهی به اوضاع کنونی جهان و ناآرامی‌هایی که در مناطق مختلف وجود دارد و موجب اضطراب و حیرت و نگرانی مردم گشته اشاره نموده‌اند و سپس اضافه می‌فرمایند: "یاران الهی باید تلاش کنند تا با مطالعه تویعات حضرت ولی امرالله که در مجموعه **نظم جهانی بهائی** درج شده، به ویژه تویعات **هدف نظم بدیع جهانی، امریکا و صلح اعظم و تولد مدنیت جهانی** درکی عمیقتر از تعالیم مبارکه درباره آن چه روی می‌دهد کسب نمایند."

تویعات مذکور، به استثناء **امریکا و صلح اعظم**، پیش از این به کوشش جناب هوشمند فتح اعظم ترجمه شده و در مجموعه **نظم جهانی بهائی** از طرف مؤسسه معارف بهائی در کانادا منتشر شده بود. به منظور کمک به دوستان فارسی‌زبان در امتثال فرمان **معهد اعلی**، جناب فتح اعظم زحمت ترجمه آن تویع باقی‌مانده را نیز قبول فرمودند و متن فارسی که تهیه نموده‌اند با مساعدت همکاران رادیوی پیام دوست برای طبع و نشر آماده گردیده است و اکنون در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

امید است که مطالعه این اثر گرانبها و تفکر درباره آن، همان طور که بیت العدل اعظم توصیه فرموده‌اند، ما را یاری نماید تا "درکی عمیقتر" از نظرگاه و تعالیم امر بهائی در ارتباط با وقایع کنونی حاصل نماییم.

دفتر امور احبای ایرانی - امریکائی

محل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده

آمریکا و صلح اعظم

یاران روحانی و مروّجان امر الهی در سراسر ایالات متّحده آمریکا
وکانادا:

تابستان آینده چهل سال از زمانی میگذرد که نام مبارک حضرت بهاءالله اول بار در قاره آمریکا شنیده شد.^۱ هر کس که درباره تأثیرات مهمّ این واقعه عظیم بر سرنوشت روحانی جمهوری بزرگ آمریکا بیندیشد از وضع و کیفیتی که در آن نخستین اشاره به نام مبارک شارع و مؤسس آئین بهائی روی داد بسیار متعجب می‌گردد و از برخوردی که آن عبارت کوتاه در دل شنوندگان پدید آورد حیرتش بیشتر میشود. آن واقعه عظیم یعنی اولین اعلان ظهور و مقصد امر حضرت بهاءالله به مردم آمریکا هرگز استقبالی با شکوه یا تمجید و سروری به همراه نیاورد حتی شخصی که واسطه و وسیله ابلاغ آن پیام منیع شد خود به قوه نافذ مکنونه بشارتی که اعلان کرده بود هرگز ایمان نداشت و از اهمیت نیروهای عظیم امری که خود در باره‌اش شتابزده و سرسری

^۱ اشاره به سخنرانی یکی از کشیشان مسیحی دکتر هنری جیب در سال ۱۸۹۳ در جلسه پارلمان ادیان در شیکاگو است که مشارالیه راجع به امر بهائی در آن مجمع ایراد کرد.

سخن رانده بود هرگز خیر نداشت. به عبارت دیگر اعلان اسم اعظم یعنی امری که پی در پی در بحر بی کران بلایای بی شمار غوطه‌ور گشته سپس در حرارت جانبخش آفتاب طلعت عبدالبهاء پرورش یافته از دهان کسی شنیده شد که خود کشیشی تنگ نظر و متعصب متعلق به کلیسایی بود که بر قلع و قمع امر بهائی کمر بسته و آن را شعبه‌ای از مذهب منفوری می‌پنداشت. با وجود این همان امری که به واسطه چنان شخصی اعلان شد حال موفق گردیده است تا ریشه‌های خود را در خاک حاصلخیز آمریکا عمیقاً پیوراند و در کمتر از پنجاه سال شاخ و برگ خود را به اقصی نقاط عالم بگستراند و معبد عظیمش را در قلب قاره آمریکا با خلعت عزت بیوشاند و حقیقتش را اعلان نماید و قدرتش را در نجات بشر درمانده و سرگردان به اثبات رساند.

جامعه اهل بهاء در آمریکا با آن که از حیث مقامات ظاهر و ثروت و نعم مادی بی بهره بود و ایام صباوتش را می‌گذرانید به مدد حکمت و درایت ملهمه‌اش و به یمن نیت اتحاد و اراده و وفاداری خلل ناپذیر به جامعه مبلغین و خادمان اداری اش به این موهبت ممتاز شد که در تسریع پیدایش عصر زرینی که بشارتش از قلم اعلی نازل گشته رهبری جامعه‌های بهائی شرق و غرب را به عهده گیرد. اما در این سبیل طی تاریخ طوفانی و پرتلاطمش چه بحرانهای شدید را که پشت سر نهاده و چه راه دردناک درازی را که به کندی پیموده تا امروز به مرحله‌ای رسیده است که پرده مجهولیت توأم با تحقیر را از هم دریده و در نور شهرت و شناسائی عمومی درخشیده است. افراد وفادار این جامعه نوحاسته از دست ناقضان سست عنصر و شرارت فتنه‌انگیزان و خیانت جاه‌طلبان و متکبران چه صدمات و لطماتی که ندیدند و در حفظ

اصالت و مدافعه دلیرانه از حسن شهرت امرالله چه طوفانهای از استهزاء و تجاوز و افتراء که با آن روبرو نشدند و چنان با انقلابات و ادب‌ارهای شدید به مدافعه و مقابله شجاعانه پرداختند تا توانستند فرداً و جمعیاً از پیرو جوان به اعلیٰ قله مقاماتی برسند که حضرت عبدالبهاء به آن هدایتشان فرموده بود. در عین حال تعداد دشمنان پر قدرت این جامعه نیز بسیار بود که چون آثار پیشرفت پیروانش را ملاحظه نمودند به هیجان آمده کوشیدند تا شرم‌آورترین تهمت‌ها را بر امراللهی وارد آورند و در ابراز بغض و کینه نسبت به مرکز امرالله از یکدیگر سبقت گیرند. چه بسا قلت منابع و ضعف بنیه و خفقان ظاهری امرالله را به سخره و ریشخند گرفتند و با چه دسائسی اصول و مبادیش را تخطئه کردند و مقاصدش را وارونه جلوه دادند و جامعه بهائیان آمریکا را به عنوان زانده و ضمیمه بی‌فایده‌ای متصل به مذهبی روه زوال معرفی کردند. آیا ندیده‌ایم که در نوشتجات خویش چگونه بر مبشر ظهور مقدسش تاختند و آن هیکل مبارک و دلیر و غیور را تائبی جان و مرتدی منحرف شمردند و جمیع آثار بی‌شمارش را یاوه‌سرانی‌های سفیهی بی‌مغز خواندند و آیا ندیده‌ایم که چگونه مؤسس آئین آسمانی بهائی را متهم به مقاصد و تحریکاتی نمودند که فقط از دماغ اهل مکر و دسیسه و فاقد اصول اخلاقی تراوش تواند کرد. همچنین مرکز میثاقش را مظهر ظلم و شقاوت و فتنه‌جو و اهل تقلب و تزویر معرفی کردند و اصول وحدت‌بخش امراللهی را که هر روز در عالم امکان تمکنی بیشتر می‌یابد به کرات ردّ و انکار نموده گفتند که از پایه و بُن معیوب است و طرح‌ها و برنامه‌های جهان‌آرایش را محکوم کردند و دیدگاهی را که امرالله از آینده جهان ارائه می‌دهد واهی و فریبنده شمردند و حقائق مکنونه در آئینش را آن دشمنان نادان و پریکن و ناتوان به عنوان

لنفاه‌ای برای پوشاندن دعاوی بی‌اساس و پوچ عرضه داشتند و مؤسسات اداری‌اش را از هیکل امرالله جدا و منفصل شمردند و اسرار عرفانیش را که مورد تکریم و احترام آئین یزدانی است از خرافات خواندند و اصل اتحاد و یگانگی‌اش را که مبتنی بر وحدت در کثرت و پایه و اساس امر بهائی است به غلط خلط مبحث کرده آن را برای یکسان ساختن مردمان در قالب واحد معرفی کردند و اعتقادش را به قوای ماوراءالطبیعه به عنوان اعتقاد به سحر و جادو محکوم نمودند و عظمت مرام فراگیرش را انکار کرده آن را افسانه‌ای در باره مدینه فاضله پنداشتند و اگر به حکمت بالغه گاه لازم آمد که پیروان باوفایش را از شر نفوس فاسد و نامطلوب تطهیر نماید و اینگونه نفوس را از جامعه براند آن حسودان عنود آن را دلیلی دانستند که در داخل جامعه بهائی تفرق و انشعابی رخ داده و زود است که قوایش به تحلیل رود و حیاتش از رُمق افتد و به خرابی و دمار انجامد.

ای یاران عزیز و ارجمند، تحقیق دقیق در تاریخ تکامل و استحکام تدریجی جامعه بهائیان آمریکا یعنی جناح شکست‌ناپذیر و عضو نیرومند امر دائم الترقی الهی از عهده این عبد و معاصرین ما بر نیاید زیرا هنوز وقت آن نرسیده که بتوان تجزیه و تحلیلی جامع و تخمینی درست از قوای محرکه‌ای که موجب ترقی‌اش می‌باشد عرضه داشت. یعنی قوایی که آن جامعه را در میان سایر عوامل و وسایل دیگر که همه آفریده دست پروردگارند ممتاز داشته و به مقامی بسیار رفیع فائز ساخته و اینک برای تحقق مشیت الهیه در عالم امکان در حال تکامل است. شکی نیست که مورّخین صاحب‌قلم آینده در باره این امر اعظم بهتر از هر یک از پیروانش در نسل حاضر قادر خواهند بود که آثار

جاودانه و استادانه‌ای در شرح منابع مذکور برای آیندگان به ارمغان گذارند و از نیروی ذاتی امر الهی سخن گویند که چگونه دست تقدیر مرکز اداری‌اش را از مهد امرالله به سواحل قاره آمریکا در قلب این کشور افکنده که مصدر و مرکز مؤسسات سریع الانتشار و دائم التزایدش گشته است. بر آن نویسندگان چیره‌دست است که دقائق چنان انقلاب جذری در سرنوشت امر بطنی النمو الهی را به قلم خویش ثبت در تاریخ نمایند. بر آنان است که فضائل مردان و زنانی را که در فتوحاتش شریک بوده‌اند تقدیر و ستایش کنند و یادشان را جاودان سازند. بر آنان است که بسنجند که هر یک از آن قهرمانان سازنده نظم جهانی حضرت بهاءالله که در کمونش بشارت استقرار عصر زرین عالم انسانی مکنون است چه سهمی داشته‌اند.

آیا تاریخ مسیحیت و اسلام در اول ظهورشان هر یک به نحو خود متوازیاً از این پدیده عجیبی که اکنون در اولین قرن دور بهائی پیداست حکایت نمی‌کند؟ مگر نه آن بود که قوه محرکه الهی که سبب تولد و پیدایش ادیان بزرگ عالم بود، آنها را به اقتضای توسعه و رشد مقاومت‌ناپذیر و از طریق قوه خلاقه ذاتیشان از سرزمینی که از آن برخاسته بودند به آب و خاک دیگری دارای جوی مساعدتر و زمینی حاصلخیزتر که برای حلول روح و ترویج و استقرارشان مناسب‌تر بود منتقل ساخت؟

مگر نه آن بود که کلیساهای آسیائی مسیحی در اورشلیم و انطاکیه و اسکندریه که بیشتر مرگب از یهودیان مسیحی شده بودند و خصائل و احساساتشان بیشتر راغب به حفظ مراسم و مناسک دیانت یهود بود به

تدریج ضعیف و همه مجبور شدند که بر تفوق و برتری هم‌کیشان رومی و یونانی خویش گردن نهند و ناچار اذعان نمایند که پرچمداران دین عیسوی که مظاهر تسلط دین مسیح را بر خرابه‌های امپراطوری در حال فروپاشی روم بنا نمودند از حیث کاردانی و شجاعت بر آنان برتری داشته‌اند؟

مگر نه آن بود که روح نباض اسلام زیر فشار قوای مذکور تحت همان شرایط ناچار شد وطن ناملایم عربی اش را که جولانگاه صدمات و ابتلائات گوناگون بود ترک گفته در سرزمین‌های دورتر که تدریجاً اثمار خوشگوار مدنیّتی جدید را بارور کرده استقرار یابد؟ حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: «همیشه از ابتدا تا حال چنین واقع شده که نور الهی از شرق به غرب تابیده ولی در غرب سطوع شدید یافته. امر حضرت مسیح روحی فداه از شرق ظاهر شد. چون پرتو نورانی بر غرب انداخت، نور ملکوت در غرب انتشار بیشتر نمود.»^۱ نیز تأکید می‌فرماید: «عنقریب ملاحظه خواهید کرد که از انوار بهاء الله غرب، شرق می‌شود، ابر رحمت پروردگار می‌بارد.»^۲ و نیز می‌فرماید: «در کتب انبیاء بشاراتی موجود که محقق است و از هر شک و شبهه‌ای بیرون. همیشه شرق مطلع شمس حقیقت بوده و تمام انبیاء از شرق ظاهر شده‌اند. ... غرب از شرق اقتباس انوار کرده اما اشراق در غرب شدیدتر است مخصوصاً دین مسیح. حضرت مسیح در فلسطین ظاهر شد و اساس شریعتش در آن کشور نهاده شد اما هر چند ابواب ملکوت اول در آن اقلیم گشوده

^۱ امرّ بدیع. طبع ۱۹۹۲. ص ۵۰۲ و یا حصن حصین شریعت الله، ص ۳۷

^۲ امرّ بدیع. طبع ۱۹۹۲. ص ۵۰۲ و یا حصن حصین شریعت الله، ص ۳۷

شد و فیض الهی از آن نقطه انتشار یافت اما مردم غرب امر مسیح را بیشتر از مردم شرق اقبال کردند و ترویج نمودند.^۴

لهذا عجیبی نیست که حضرت عبدالبهاء پس از سفر پراثرش به مغرب زمین در یکی از الواح نقشه ملکوتی خطاب به اَحبَاءِ شَمَلِ شرق آمریکا از قلم خطاناپذیرش این بیان معروف مبارک را نازل فرمود که بیان از عظمت اهمیّتش عاجز است: «قطعه امریک در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشأ ابرار و مجمع احرار.»^۵ و در وقتی که در آمریکا تشریف داشتند از حضرت عبدالبهاء چنین شنیده شد که: «امید است این مَلّت آزاد و عظیم اَوّلین مَلّت و جمعیتی باشد که اساس اتّفاق و آشتی بین المللی را بنیان نهد و وحدت نوع انسان را اعلان نماید، پرچم صلح عمومی برافرازد...»^۶ «فی الحقیقه مَلّت امریک را چنان لیاقت و شایستگی موجود که خیمه صلح عمومی را برپا نماید و وحدت عالم انسانی را اعلام کند»^۷

^۴ ترجمه

^۵ (قرآمین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، ولیمت ۱۹۸۵، ص ۶۶ و نیز مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۳۷)

^۶ ترجمه فارسی از قرن بدیع، ۱۹۹۲ ص ۵۰۳. همین مطلب در کتاب ظهور عدل الهی با اندک تفاوتی این چنین ترجمه شده است: «امید است مَلّت امریک اَوّلین مَلّت و جمعیتی باشد که اساس اتّفاق و آشتی بین ملل را بنیان نهد و اتحاد و یگانگی نوع انسان را اعلان نماید، پرچم صلح اعظم برافرازد...» (ظهور عدل الهی، ص ۱۷۳)

^۷ مآخذ اصل فارسی در دست نیست، ترجمه فارسی که از اصل انگلیسی آن است اینطور مندرج است. (ظهور عدل الهی، ص ۱۷۳)

«امید چنان است که آمریکا مرکز انتشار انوار روحانی گردد و جمیع عالم از این فیض الهی نصیب برند.»^۸ «زیرا این کشور از لحاظ قدرت و عظمت و قابلیت به نحو شگفت‌انگیزی بر ملل و نحل آخری تقدّم جُسته...»^۹ «امیدوار چنانم که مردم این ممالک چون ملائکه آسمانی و جوهشان به حق متوجّه باشد و جمیع بر خدمت خداوند توانا قیام نمایند و از ترقیّات مادّیه حالیه برتر روند تا انوار آسمانی از این خطّه به جمیع مردم جهان بتابد.»^{۱۰}

در پرتو چنان بیانات عالی‌ه‌ای آیا مبالغه است اگر انتظار داشته باشیم که در آن کشور که رشک عالم است از میانه عذاب و خراب و دماری ناشی از بحرانی بی‌سابقه ناگهان دوره تجدّدی (رنسانس) روحانی که سرنوشت عصری منحط و رو به زوال را معین خواهد ساخت برپا شود؟ حضرت عبدالبهاء به شهادت یکی از مقررترین ملازمانش مکرّر چنین فرموده که تأسیس و استقرار امر حضرت بهاء‌الله در آمریکای شمالی مهم‌ترین هدف از اهداف سه‌گانه اصلی دوره قیادت مرکز میثاق بوده است.

^۸ ترجمه

^۹ مأخذ اصل فارسی در دست نیست، ترجمه فارسی که از اصل انگلیسی آن است اینطور مندرج است. (ظهور عدل الهی، ص ۱۷۴)

^{۱۰} ترجمه

حضرت عبدالبهاء بود که در جوانی تقریباً بلافاصله بعد از صعود پدر بزرگوارش به فکر تأسیس امر الهی در آمریکا افتاد و ساکنان کشوری را که آتیه‌ای درخشان دارد به زیر پرچم حضرت بهاء الله درآورد.

حضرت عبدالبهاء بود که تا آخرین لحظه حیات مبارکش به حکمت کبری و به حکم سعه صدر و قلب رئوفش مستمراً اشوق گرم خویش را نثار حواریون برگزیده‌اش می نمود و آنان را به عنایات مخصوصه‌اش مخصّص می ساخت.

حضرت عبدالبهاء بود که در اواخر عمر مبارکش بلافاصله بعد از خلاصی از بند حبس ظالمانه درازمدتش تصمیم گرفت به کشوری که سالها مورد توجه و محبت و عنایتش بود سفر کند.

حضرت عبدالبهاء بود که میان جمیع پیروانش در آن سرزمین به نیروی جمال و سحر بیانش عواطف و اصولی را القاء فرمود که آنان را در بحبوحه امتحاناتی که اجراء و وظائف روحانیشان را به خطر می انداخت محافظه و حمایت نماید.

حضرت عبدالبهاء بود که به هنگام حضورش در میان جامعه آمریکا به دست مبارکش سنگ بنای مشرق‌الاذکارشان را بنهاد و در ضیافتی که خود دعوت فرمود شخصاً به خدمت و پذیرائی یاران در آن ضیافت مباشرت فرمود و در وقت مناسبی حقائق مقام روحانی خویش را رسماً و مؤکداً اعلام داشت و با این‌گونه اعمال حسنه متنوعه یاران آن سامان را به آنچه لازمه حفظ میراث روحانیشان بود دلالت فرمود و یقین داشت که اهل بهاء در آمریکا خواهند توانست که آن میراث

مرغوب را با اعمال خود کاملاً محافظه نمایند و مستمراً بر بار و برش بیفزایند.

کیست که شک و تردید کند که حضرت عبدالبهاء با صدور الواح ملکوتی یعنی فرامین تبلیغی که در اواخر حیاتش نازل فرمود علنی ساخت که چه فضیلت روحانی به جامعه بهائی آمریکا اعطاء فرموده تا با اتکاء بر آن کلّ تفوق روحانی خویش را در سرنوشت بلندشان به کف آورند؟ در یکی از الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء یاران آمریکا را به چنین خطابی مخاطب ساخت: «ای حواریون بهاء الله! روحی لکم الفداء!... ملاحظه نمائید که حضرت بهاء الله چه ابوابی از برای شما گشوده است و چه مقام بلند اعلیٰ مقدر نموده است و چه موهبتی میسر کرده است.»^{۱۱} در جایی دیگر چنین خطابشان می فرماید: «الآن به یاد شما مشغولم و این قلب در نهایت هیجان آگردانید که وجدان چگونه منجذب یاران است البتّه به درجه ای فرح و سرور یابید که کلّ مفتون یکدیگر گردید.»^{۱۲} در لوحی دیگر می فرماید: «حال موفقیت شما هنوز معلوم و مفهوم نگشته. عنقریب خواهید دید که هریک مانند ستاره های دری درخشنده در آن افق نور هدایت بخشیدید و سبب حیات ابدیّه اهل امریک شدید»^{۱۳} و نیز بیان می فرماید: «همچنین موفقیت شما حال معلوم نه امیدوارم که به زودی موفقیت شما زلزله در

^{۱۱} (فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، ص ۵۸ و نیز مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، صص ۲۷ و ۲۹)

^{۱۲} (فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، ص ۵۸ و نیز مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۳۰)

^{۱۳} (فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، ص ۴۹ و نیز مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۲۰)

آفاق اندازد.»^{۱۴} و چنین اطمینانشان می‌بخشد: «البته عون و عنایت الهیّه به شما خواهد رسید و قوای الهیّه و نفثات روح القدس تأیید شما خواهد کرد.»^{۱۵} و متوجهشان می‌سازد که: «نظریه قلت خویش و کثرت اقوام ننمائید...»^{۱۶} «این کار عظیم است اگر به آن موفق شویم تا امریک مرکز سئوحات رحمانیّه گردد و سریر ملکوت الهی در نهایت حشمت و جلال استقرار یابد.»^{۱۷} و تشویقشان می‌فرماید: «عبدالبهاء را آرزو چنانست که مثل خطه امریک در سائر قطعات عالم نیز موفق و مؤید شوید یعنی صیت امرالله را به شرق و غرب رسانید و در جمیع قطعات خمسّه عالم بشارت به ظهور ملکوت رب الجنود دهید.»^{۱۸} «تا حال بسیار همت نموده‌اید ولی من بعد هزار مرتبه بر همت بیفزاید و در این ممالک و پایتختها و جزائر و محافل و کنائس نداء به ملکوت ابهی کنید و دائره همت باید وسیع گردد هرچه وسیعتر شود موفقیت بیشتر گردد.»^{۱۹} «ای کاش از برای من میسر می‌شد که پای پیاده ولوبه کمال فقر به آن صفحات مسافرت می‌نمودم و نعره‌زنان در شهرها و دهات و کوه و بیابان و دریا یا بهاءالابهی می‌گفتم و ترویج تعالیم الهی می‌نمودم. ولی حال از برای من میسر نه لهذا در حسرتی عظیم هستم ان‌شاءالله شماها موفق گردید.»^{۲۰}

^{۱۴} (فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، ص ۴۹ و نیز مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۲۰)

^{۱۵} (ظهور عدل الهی، ص ۱۲۹)

^{۱۶} (ظهور عدل الهی، ص ۱۲۹ و نیز مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۵۵)

^{۱۷} (ظهور عدل الهی، ص ۱۲۹)

^{۱۸} (فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، ص ۴۹)

^{۱۹} (فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، ص ۵۳)

^{۲۰} (فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، ص ۵۱)

بالاخره بیانات قبلی را به اکتلیل چنین عبارات مهمنی حاکی از بینش آن طلعت نورا در باره سرنوشت روحانی آمریکا مکتل و مزین فرمود: «این ندای الهی چون از خطه امریک به اروپا و آسیا و افریک و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد احبای امریک بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند و صیت نورانیت و هدایت ایشان به آفاق رسد و آوازه بزرگواریشان جهانگیر گردد.»^{۲۱}

در پرتو این بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء است که هر مؤمن فکور و آگاهی باید در باره این بیان خطیر حضرت بهاء الله غور و تأمل نماید: «انه قد اشرق من جهة الشرق و ظهر في الغرب آثاره و تفكروا فيه يا قوم ولا تكونوا كالذين غفلوا إذ جاءتهم الذکری من لدن عزیز حمید»^{۲۲} «لویسترون النور في البرآنه يظهر من قطب البحر و يقول اني محيي العالمين.»^{۲۳}

ای یاران عزیز عبدالبهاء آیا سزاوار است که چشم بصیرت ما چنان تیره و تار باشد که نبینیم که این آشوبها و اضطرابات بی سابقه ای که حال ملت آمریکا را بیش از دیگر کشورها فراگرفته شواهد روشنی برای به دنیا آمدن نوزاد تجدد و رنسانسی روحانی که حضرت عبدالبهاء واضحاً پیش بینی اش را فرموده اند می باشد؟ بلی این درد و رنج و

^{۲۱} (فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، ص ۵۰)

^{۲۲} (مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهین، لانگنهاین، ص ۶ و نیز کتاب مبین، ص ۱۴۱)

^{۲۳} (نار و نوز - شوقی افندی ۱۰، مندرج در لوح قرن و نیز قرن بدیع، ۱۹۹۲، ص ۵۰۲)

فریادهای پی‌درپی به صدای رسا اعلان می‌کند که درد زایمان ملّتی که نوزاد را متولّد می‌سازد فراسیده است.

در مقابل اوضاع غم‌انگیز ملل جهان، مخصوصاً آن جمهوری بزرگ مغرب‌زمین، سرنوشت و طالع بلند آن جمع قلیل از مردم آمریکاست که اگر به رسالتشان وفادار مانند خواهند توانست زخمهای کشورشان را مرهم نهند و امید و آمالش را بازآورند و نیز در مقابل تشنّجات مهیب و خصومت‌های مهلک و اختلافات بی‌فایده و مجاملات کهنه و فرسوده‌ای که حال تودهٔ مردم آن کشور را مبتلا ساخته انوار دلنواز صلح و آشتی است که آن وارثان عشق و محبّت حضرت بهاء‌الله را منور کرده است. چه بسیار تفاوت است میان مؤسّسات رو به زوال و سیاسیون رسوای بدخصال و فرضیه‌های از هم‌پاشیده و انحطاطات نفرت‌انگیز و سفاهت و جنون و خدعه و تبانی و تلون که از صفات ممیّزهٔ این عصر است، با استحکام مستمرّ و تمسک و انضباط و اتفاق و اتحاد و ایمان راسخ و وفاداری محض و فداکاری دلیرانه که از خصائص بارز حامیان با وفا و مبشّران عصر زرّین حضرت بهاء‌الله‌اند. پس عجب نیست که حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه مؤکداً چنین پیش‌بینی فرموده‌اند: «انّ الشّرق استضاءت آفاقها بأنوار الملکوت و عن قریب يتلألأ هذه الأنوار في مطالع الغرب أعظم من الشّرق و تحیی القلوب في تلك الأقالیم بتعالیم الله و تأخذ محبّة الله الافئدة الصّافیة.»^{۲۴} «حال حسن شهرت امرالله بسیار منتشر شده و عظمتش

^{۲۴} (حصن حصین شریعت الله، ص ۳۷ و نیز قرن بدیع، ص ۵۰۲)

ظاهر گشته و عنقریب هیجانی عظیم در قلوب نفوس برانگیزد. پس ای اهل امریک، بسیار شاد و مستبشر باشید و در وجد و سرور آئید.»^{۲۵}

خواهران و برادران بسیار عزیز و ارجمندم، چون به چهل ساله گذشته از زمانی که اول بار قاره آمریکا به انوار ظهور حضرت بهاء الله روشن و گرم شد نظر اندازیم درمی یابیم که آن دوره را به چهار مرحله متمایز می توان تقسیم کرد که هر یک به واقعه مهمی منتهی شده که نقطه عطفی و علامت شاخصی در راه سیر احبای آمریکا به سوی پیروزی موعودشان به وجود آورده است.

مرحله اول از سال ۱۸۹۳ تا ۱۹۰۳ که می توان آن را دوره بطنی تخمیر خواند که با زیارت حواریون آمریکائی حضرت عبدالبهاء از روضه مبارکه جمال ابهی به اوجش رسید.

ده سال بعد، از ۱۹۰۳ تا ۱۹۱۳ مشحون از امتحانات و افتانات گوناگون بود که پیشاهنگان اولیه قدامی امر بهائی را به اضطراب افکند و هم سبب تطهیرشان شد و هم نیروی تازه ای به آنان بخشید که اوج اعلایش سفر بهجت اثر حضرت عبدالبهاء به آمریکا بود.

مرحله سوم از ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۳ بود که دوره آرامش و تقویت مستمر جامعه بهائی در آن سرزمین بود که نتیجه اش تولد تشکیلات خداداد بهائی شد که بلا تردید الواح وصایای حضرت عبدالبهاء که تازه به عالم بقا صعود فرموده بود سنگ بنایش را نهاده بود.

ده سال باقی مانده دیگر از ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۳ امتیازش سراسر عبارت از رشد و نمو داخلی و نیز توسعه مجهودات بین‌المللی آن جامعه مترقی بود و شاهد اتمام بنای خارجی ساختمان مشرق‌الاذکار بود که به منزله برج و بارویی مستحکم برای تشکیلات بهائی و مظهر قدرت و نشان آینده درخشانش به شمار می‌رفت.

هریک از این چهار مرحله متوالی سهم بارزی در توانگر ساختن حیات روحانی جامعه و آماده نمودن افرادش برای اجراء مسئولیت‌های خطیر رسالت بی‌ماندشان ایفاء کرده است و چون متقدمین بهائیان برجسته جامعه آمریکا را شوق زیارت در دل افتاد و در نخستین مراحل تاریخ امرالله به موهبت زیارت فائز گشتند، آن چنان شور و نشوری بعد از مراجعت زائرین در میان بهائیان آن کشور پیدا شد و چنان نار محبه الله در قلوبشان مشتعل گردید که دیگر تندباد هیچ طوفانی قادر نبود آن شعله فروزان را خاموش کند.

ابتلائات و امتحاناتی که متعاقباً بر آن جامعه وارد آمد سبب شد که نفوسی که از امتحان پیروز بیرون آمدند چنان تمسک و ایمانشان به امرالله تقویت گردد که دیگر هیچ مخالفتی هر چند شدید و منظم قادر نبود آن را متزلزل سازد. تشکیلات و مؤسساتی که بهائیان ممتحن و ثابت‌قدم آمریکا بعداً برپا ساختند ثبات و توازنی را که برای ازدیاد افراد جامعه و توسعه فعالیتشان لازم بود فراهم ساخت. بالاخره معبدی که نمایندگان نظم اداری مستحکم و مستقرشان از بنایش الهام یافته بودند دیدگاهی در مقابلشان گشود که هرگز طوفانهای داخلی و گردبادهای اضطرابات بین‌المللی قادر نبود زائلش سازد.

شور و نشوری که معرفی امر بهائی به قیادت و هدایت حضرت عبدالبهاء در آمریکا برپا کرد حتی به بیان مختصر مستلزم وقت زیاد است و شرح وقایع مربوط به زیارت تاریخ آفرین زائران آمریکائی از روضه مبارکه حضرت بهاء الله و بیان اعمال برجسته آن حاملان انجیل جدید پس از مراجعت به وطن مألوفشان و نتایج فوری توفیقاتشان در این وجیزه ننگجد زیرا هیچ کلام این عبد قادر نیست که شرح دهد که پس از آن که امیدها و توقعات حضرت عبدالبهاء و هدفی را که برای آن قاره بیدار و هشیار معین فرموده بود آشکار شد چه جوش و خروش و هیجانی در افکار و قلوب شنوندگانش و دریافت کنندگان برکات و عنایاتش و مخازن برگزیده ثقه و اعتمادش برپا گردید. هرگز چنانکه باید و شاید عواطف و احساسات قلبی آن قهرمانان را که زیر سایه عبدالبهاء نشسته و به دامن مبارکش پناه جسته و به جان مشتاق جذب و ذخیره افاضات حکمت ملکوتی اش بودند توصیف نتوانم کرد. هرگز از روحیه مصمم و دلیرانه آن زائران مشتاق و منادیان میثاق که پس از زیارت طلعت دلربای عبدالبهاء و شنیدن بیانات شیوا و توانایش در چنان مرحله دقیق تاریخ که با عزمی راسخ به وطن بازگشته بودند تقدیر کافی نتوانم نمود. یاد کسانی چون لواء، چیس، مکنات، دلی، گودال، داج، فارمر، برتینگام که فقط برخی از آن اختران جاودان در کهکشان امریزدان بودند و حال به بارگاه عظمت و جلال حضرت بهاء الله پیوسته اند تا ابد با داستان ارتفاع و تأسیس امرالله در قاره آمریکا همراه خواهد بود و همواره صفحات تاریخش را درخشنده و تابان خواهد داشت که تصاریف روزگار هرگز از تابش و جلایش نخواهد کاست.

با بازگشت زائران مذکور که بلافاصله پس از صعود حضرت بهاء الله متوالیاً مشرف شدند آفتاب عالمتاب میثاق که چند صباحی با نفوذ مرکز نقض در آمریکا پوشیده بود از پشت ابرها در بحبوحه انقلابات مستولیه ناجحاً مظفراً به در آمد و با شکوه و جلال درخشیدن گرفت. تنها با مسافرت پی در پی آن زائران بود که ابرهای احزان و آلامی که اعضاء عائله مبارکه حضرت عبدالهء را فراگرفته بود زائل شد. زیارت پی در پی آن نفوس بود که حضرت ورقه علیا، یگانه عضو عائله حضرت بهاء الله که در مقابل طغیان تمام افراد خانواده به مدد برادر مهرپرورش برخاست، را در مراحل آخر حیاتش تسلی خاطر بخشید. با قوائی که این گروه کوچک زائران پس از مراجعتشان در قلب آن قاره تولید کردند جمیع نقشه های شریری که ممکن بود اسباب تضييع امرالله گردد نقش بر آب شد.

متعاقباً الواح صریح و پرشوری از قلم خستگی ناپذیر حضرت عبدالهء محتوی نصائح و تبیینات و حاکی از امیدها و توقعات و بیم و انداز نازل که همه ترجمه و طبع و در سراسر آمریکای شمالی منتشر شد و به حلقه اولین مؤمنان امر بهائی غذای روح بخشید و آنان را از میان دریای امتحانات و ابتلائات شدیدة متقابله زنده و سالم بیرون آورد.

اما هنوز بحرانی بی سابقه و بی رحمانه در پیش بود، آثار نفاق و شقاق ناشی از غرور و خودخواهی پدید آمد و بیم آن می رفت که درخشش و سرعت نمو جامعه ای را که به همت مبلغان جانفشان و حواریون حضرت عبدالهء در قاره آمریکا تأسیس شده بود کاهش بخشد. کسی که خود وسیله ظهور عصری درخشان در آمریکا بود، کسی

که مرکز میثاق حضرت بهاء الله او را به القاب «پطرس من»، «راعی اغنام الهی در آمریکا»، «فاتح آمریکا» مخاطب ساخته بود، کسی که مفتخر بود که حضرت عبدالبهاء را در استقرار سنگ بنای مقام مقدس اعلیٰ در کوه کرمل مدد نماید، کسی که چشمش را موفقیت‌های فوق‌العاده‌اش کور کرده بود، کسی که امیدوار بود بر اعتقادات و خدمات احباء و شاگردانش تسلط کامل داشته باشد، علم مخالفت برافراشت. این مرتد گمراه که از حضرت عبدالبهاء برید و به ناقص اکبر پیوست بر آن شد که با تحریف تعالیم امرالله و آغاز مبارزاتی بی‌رحمانه از راه بهتان و افتراء به شخص حضرت عبدالبهاء رخنه در ایمان همان کسانی اندازد که خود به مدت هشت سال به زحمت تبلیغشان کرده بود. با نوشتن و طبع مقالاتی که با همکاری فعال نمایندگان همکار اصلیش و حمایت بعضی از کشیشان مسیحی که به مخالفت برخاسته بودند ضربت سختی بر پیکر این امرنوخیز وارد آورد که فقط با رنج و محنت بسیار به تدریج زخمهایش التیام یافت.

لازم نیست به اثرات فوری شکاف بزرگ ولی موقت و زودگذری که در بین پیروان حضرت بهاء الله پیدا شد پردازم یا درباره خصوصیات تهمت‌آمیزش مطالبی بیان نمایم. و نیز ضرورتی ندارد در باره اقداماتی که عبدالبهائیان بیدار و توانا برای دفع شر و وا همه احباء مبذول فرمود داد سخن دهم. بر مورخین آینده است که موظفند تا ارزش مأموریتی را که هریک از چهار فرستاده برگزیده حضرت عبدالبهاء که جهت تسکین و آرامش و تقویت جامعه مضطرب و در تشویش آن زمان آمریکا اعزام فرمود ارزیابی کنند و نیز همان مورخین وظیفه دارند که خدمات آن چهار نماینده حضرت عبدالبهاء را که مأمور

بودند تشکیلات نظم اداری وسیعی را شروع و پایه‌اش را استوار نمایند بسنجند. تشکیلاتی که ساختمان مظهر و سیمبلش چندی بعد به دست توانای حضرت عبدالبهاء تأسیس و سپس طبق محتویات الواح وصایایش توسعه یافت.

همین قدر کافی است که بگوئیم در این مرحله از تکامل امر شکست‌ناپذیر بهائی فعالیت‌های یاران به ابعادی رسید که از طرفی دشمنانش را وادار می‌ساخت که با سلاحهای تازه‌ای به امرالله حمله کنند و از طرف دیگر حضرت عبدالبهاء را برانگیخت که به واسطه نمایندگان و مبلغان لایق و برگزیده‌اش بهائیان آمریکا را با اصول و تشکیلاتی آشنا سازد که در میقات معین با رشد تدریجی خود هم سبب تجسم روح امر الهی گردد و هم آن را حفاظت و وقایت نماید. دشمنانی سرسخت از قبیل واترالسکی و ویلسون و جسپ و ریچاردسن در نوشتجات خود مذبحانه از یکدیگر سبقت می‌جستند تا صفای امرالله را مکدر سازند و پیشرفتش را بازدارند و بر تسلیم و شکست مجبورش کنند. آن معاندان عنود بر امر الهی تهمت‌هایی از این قبیل وارد می‌ساختند که امر بهائی مروج فلسفه انکار وجود است، نایلیم (Nihilism) یا کفر و زندقه است، شطحیات عرفان‌بافی اسلامی است، مروج بی‌بند و باری اخلاقی است، طرفدار علوم مکتومه یا مسلک کمونیستی است. تیرچنین تهمت‌هایی که اصحاب فرقه‌های مختلف پرتاب می‌نمودند در پیروان ثابت‌قدمش که آماج آن حملات بودند نه تنها اثری نگذاشت بلکه متحداً طبق هدایت و دستورهای حضرت عبدالبهاء بر مقابله و مدافعه امرالله قائمشان ساخت و فعالیت‌هایی را آغاز نمودند که مقدمه و طلیعه مؤسسات و تشکیلات

رسمی بهائی آینده‌شان محسوب می‌شد. اولین «بیت روحانی» شیکاگو که حضرت عبدالبهاء آن را به نام «بیت العدل» آن مدینه تسمیه فرمودند، تأسیس انجمن مطبوعات بهائی، پایه‌گذاری جمعیت اخوت گرین ایگر، انتشار مجلهٔ نجم باختر، انعقاد اولین انجمن شور روحانی بهائی مقارن و همزمان با انتقال رمس مقدس حضرت باب در مقام اعلیٰ در کوه کرم، تسجیل انجمن معبد بهائی و تشکیل هیئت اجرائی مشرق‌الاذکار، اینها همه از توفیقات برجستهٔ بهائیان آمریکا بود که تا ابد خاطرهٔ بحرانی‌ترین مرحلهٔ تاریخشان را مخلّد ساخته است. سفینهٔ میثاق حضرت بهاء‌الله در میان مجهودات و اقدامات مذکور به دریای خروشان بلایای مستمر افتاد. ناخدای نیرومندش حضرت عبدالبهاء و سرشنیانش مشتی از پیروان خسته و ممتحن مهد امرالله بودند که با مجهودات و ابتکاراتی دلیرانه و با نیروی حیات‌بخشش بی‌اعتنا به طوفانها و ناکامیهای وارده همچنان آن سفینه را در مسیر خود به پیش می‌راندند تا آن که بالاخره به ساحل موعود امن و امان جاودان رسد و بیارامد.

پیروان برگزیدهٔ امر الهی در قارهٔ آمریکا به موقّیّت‌های درخشانشان در کشور خویش قانع نشدند و با توفیقات مقدّماتی که در ورای مرزهایشان در انگلستان و فرانسه و آلمان حاصل کرده بودند دلگرم و تشویق گشته با عزمی جزم بر آن شدند که در سرزمین‌های دور دست برای سپاه پیروز و پیشرو حضرت بهاء‌الله سربازانی بیشتر بیابند لهذا مبلغان سیّاری برای ترویج پیام مقدّس الهی قیام کردند و با نیروی ایمان جدیدشان به سوی جزائر اقیانوس کبیر و به چین و ژاپن حرکت نمودند تا با عزم جزم پرچم امر عزیزشان را بر فراز اقصیٰ نقاط عالم

برافرازند و از این راه جامعه بهائی آمریکا در داخل و خارج کشور خویش لیاقت و استعدادشان را در توسعه و تحکیم اساس خدمات مبدوله خویش ظاهر ساختند. فریادهای گوش خراشی که مخالفان در اعتراض به پیشرفت احباء بلند کرده بودند در میان غریبهای شادی احبای شرق که پیروزی هایشان را می ستودند خاموش شد و همه آن چهره های کریه تهدیدکننده از نظر محو شد و برای مجاهدین شریف بهائی میدانهای گسترده تری فراهم آورد که نیروهای عظیم خویش را در آن میدان به کار برند.

امر حضرت بهاء الله دوباره در قاره آمریکا احیاء شد و چون عنقا با کمال طراوت و جمال به پا خاست و حال از طریق استدعای مروّجین پیرو امر مبارکش احباء آمریکا حضرت عبدالبهاء را دعوت نمودند که به سواحل کشورشان قدم نهند. ثمرات رسالتی که به جمع اهل بهاء در آن کشور تفویض شده بود چنان پربرکت و چشمگیر بود که طلعت پیمان که تازه از بند ظالمان ستمگر آزاد شده بود با محبت سرشار و بی همتائی که به فرزندان دلبنده داشت ناچار دعوتشان را اجابت فرمود. علاوه بر آن از بسیاری از سازمانهای ذیعلاقه مذهبی و بشردوست و مجامع تربیتی دعوتهای دیگری نیز رسیده بود تا از لسان حضرت عبدالبهاء در باره تعالیم پدر بزرگوارش بیاناتی بشنوند.

این بود که حضرت عبدالبهاء، با وجود تقدّم سنّ و بروز علل متعدّد ناشی از تحمّل پنجاه سال ستم ظالمان و حبس و زندان، آماده سفر گردید و دریاها را بیمود تا به پرتو جمالش و خلق و خوی ملکوتی اش اقدامات و اعمال بندگان برگزیده اش را که از روح نباضش

الهام گرفته بودند تقدیس نماید. قلم عاجز است که کیفیت سیر و سفر پیروزمندانهاش را در شهرهای عمده ایالات متحده آمریکا و کشور کانادا وصف نماید و یقین است که نسلهای آینده چنانکه باید و شاید ذکر خواهند کرد که اعلام ورودش به هر شهر چه شادی و سروری را برانگیخت و رفتار ملکوتی اش چه شهرتی یافت و بیاناتش چه قوایی را ایجاد نمود و نتایج تعالیمش چه مخالفت‌هایی را تحریک نمود و رفتار و گفتارش چه حوادث مهمی را احداث کرد. آن همه را آیندگان توصیف کرده یادش را در دل و جان خویش محفوظ خواهند داشت و تفصیل دقیق آنها را به أخلاف خویش خواهند سپرد. این گرافه است که امروز بخواهیم چنان واقعه پردامنه و حیرت‌انگیزی را ترسیم نمائیم و چون حال پس از گذشت بیست سال به آن واقعه که نقطه عطف و علامت شاخصی در تاریخ روحانی آمریکاست بیندیشیم، یقیناً به عجز خویش از درک اهمیت آن دوره و اطلاع بر کنه اسرار مکنونه‌اش معترف می‌شویم. در صفحات قبل فقط به معدودی از وقایع مهمه آن سفرهای فراموش ناشدنی اشاره کردم. حال چون بر آن حوادث به تأمل نظر افکنیم بر ما روشن می‌شود که حضرت عبدالبهاء با تعیین آن سیل وظائف مخصوصه نمونه برای جامعه بهائی آمریکا مقصد مبارکشان همان بود که مقام مقدم روحانی بر آن جامعه عطا فرماید که فی الحقیقه در خور آن بودند.

بذرهائی که به دست حضرت عبدالبهاء پراکنده شد، آمریکا و کانادا بلکه تمام آن قاره را استعدادهایی بالقوه بخشید که هرگز در تاریخ آن اقلیم دیده نشده است. حضرت عبدالبهاء در آن سفر به گروه قلیل حواریون تعلیم دیده و محبوبش و توسط آنان به أخلافشان میراث

مرغوبی به ارث گذاشت، میراثی که مستلزم تعهدی بود که برخیزند و در آن سرزمین حاصلخیز اقدامات مشعشع مرکز میثاق را ادامه دهند. پیش خود تا حدی مجسم توانیم کرد که حضرت عبدالبهاء به هنگام وداعش از آن کشور نویدبخش چه امید و آرزوهائی در دل شفیق و مهربانش موج می‌زد. تصور توانیم کرد که در شب عزیمتش از آن کشور کلماتی از این قبیل به پیروان وفادارش بیان فرموده که من به حکمت بالغه کشور شما را برای اجراء مقصدی ارجمند برگزیدم و در ظلّ عهد و میثاق حضرت بهاءالله از بدایت دوره میثاق وظیفه داشتم که آن سرزمین را شخم ززم و مستعدّ کشت نمایم. باران تأییدی که از آغاز ایمان و خدماتتان بر شما بارید آن خاک پر استعداد را آماده ساخت و قوت بخشید. سپس با باد و طوفان بلایائی که بر شما وزید شیارهای عمیقی در زمینی که به دست من آماده شده بود به وجود آورد و بذرهائی که به امانت به من سپرده شده بود در همه جا پراکنده کردم. حال با توجه و کوشش مستمرّ شما همه سرسبز خواهد شد و هر بذری ثمر مقدر را به بار خواهد آورد. به زودی زمستانی سخت و بی سابقه فرا رسد. ابرهای طوفانزایش هم اکنون در افق پیدا شده و به زودی تندبادهای شدیدی از هر جهت بر شما وزیدن گیرد و با عزیمت من از این کشور سراج میثاق فی الجمله پوشیده گردد، اما این ویرانگری زمستان دیری نپاید، بذرهائی خفته بیدار گردد، جوانه زند و برگ و بارش در مؤسّسات و تشکیلات عظیمه امرالله نمایان شود. ابر بهاری به عنایت و شفقت پدر آسمانیم بر شما بیارد و شاخ و برگ این نهال نوحاسته به همه جا کشیده شود و از مرز و بوم این کشور برتر رود و به همه جا سایه افکند و بالمآل آفتاب ظهورش بالا گیرد و در نصف النهار

جلالش اشراق نماید و شجره طیبه امر عظیمی که در خاک شما کاشته شده در موعد مقرر به ثمرات پرحلاوت رسد.

نتایج و ثمرات این بیانات و داعیه بر پیروان حضرت عبدالبهاء به زودی آشکار شد. چیزی از مراجعتش از سفر طولانی و دشوارش به آمریکا و کانادا نگذشت که آنچه بدان اشاره فرموده بود ظاهر شد. جنگ بزرگی که پیش بینی فرموده بود در گرفت و رشته مخابره و اتصالش با نفوسی که بار امانتش را بردوش می کشیدند و از آنان انتظارات فراوانی داشت تا چندی به کلی قطع شد و پریشانی زمستانی که بدان اشارت رفته بود به صورت جنگی خونریز و مخرب به مدت چهار سال ادامه یافت و این قطع مخابره به حضرت عبدالبهاء فرصت بخشید تا چندی در بیت مبارکش و در حول و حوش روضه مبارکه حضرت بهاء الله انزوا و آرامش یابد و در این فرصت آمال و افکار مقدّسش را به احبای آمریکا که چنان مورد عنایات لانهایه اش بودند ابلاغ کند. در الواح جاویدانی که در ارتباط با احبای عزیزش نازل فرموده بود منویات خاطرش را در باره مقدّرات روحانی یاران آمریکا آشکار فرمود و نقشه ملکوتی اش را برای اجراء رسالتی که به آنان عنایت فرموده بود معلوم داشت. بذرهائی که در زمان اقامت در میان عزیزانش به دست مبارک خویش با نهایت مهربانی کاشته بود حال با همان صبر و محبت سرشار آبیاری می فرمود.

ندائی که حضرت عبدالبهاء بلند فرمود به منزله صوری بود که ناگهان اقدامات و مجهودات جدیدی را احیاء کرد و قوائی را برانگیخت و نهضتی را آغاز کرد که هرگز در تاریخ آمریکا دیده نشده

بود و این نهضت عظیم خدمات و مجهودات سفرای پیام آسمانی حضرت بهاء الله را در بلاد بعیده نیروئی تازه بخشید و روز بروز قوی تر شد و ثمراتش را در سراسر کره زمین ظاهر ساخت و همچنان بر سرعت حرکتش افزوده می شود تا زمانی که جمع آمال محرک اصلیش تحقق یابد.

جمع قلیلی از زنان و مردان با حرارت و ایمان و اعتقادی که ایجادش از عهده بشر بیرون است قیام نمودند تا فرمان حضرت عبدالبهاء را به مرحله اجراء درآورند. به ممالک شمالیه تا آلاسکا حرکت نمودند و به سوی جزائر وست ایندیز رفتند و به سواحل آمازون رسیدند و از سلسله جبال آند گذشته به اقصی نقاط جنوب جمهوری آرژانتین رسیدند و با ادامه سفر به سوی غرب به جزائر تاهیتی و از آن دورتر در استرالیا و نیوزیلند و تاسمانیا مستقر گشتند. آن منادیان دلیر امر حضرت بهاء الله با اقدامات قهرمانانه خویش برای معاصرین اهل بهاء حتی در سراسر مشرق زمین مثال و سرمشقی را در خدمت امر اعظم الهی ارائه دادند. این مردان و زنان کُلّ وسائل فعّاله ای بودند تا سلطه و حکومت روحانی حضرت بهاء الله را به نحوی بی سابقه توسعه بخشند و سر حلقه آن خادمان جانفشان نفس نفیسی بود که به اجابت دعوت حضرت عبدالبهاء قیام کرد و تا به حال دوبار گرد کره زمین را طی کرده و هنوز هم مشغول است. آن نفوس مقدسه با وجود موانع شدید موفّق شدند در اکثر ممالکی که از آن گذشته یا در آن ساکن شدند تعالیم آئین خویش را اعلان کنند، کتب و آثارش را منتشر سازند و به مدافعه امرش پردازند و تشکیلاتش را پی گذارند و بر تعداد حامیان مسجّلش بیفزایند. محال است که در این مختصر بتوانم داستان اعمال

این قهرمانان را وصف کنم و هیچ تقدیر و تحسینی نمی‌تواند گویای روح نبّازی باشد که آن علمداران دین‌الله را بر ربودن تاج افتخاری و اعطاء چنان امتیازی به اخلافتشان موفّق ساخت.

امر حضرت بهاء‌الله در آن زمان عالم را فراگرفته بود. نوری که از افق تاریک ایران دمیده بود آسمان اروپا و افریقا و قاره آمریکا را روشن نمود و بر قلب استرالیا پرتو افکند و کمربند درخشان عزّت را به دور کره زمین بست. در این سبیل قدردانی و تمجید حقیقی از این حواریون دلیر و گرانقدر که ایام اخیر حیات عنصری حضرت عبدالبهاء را روشن ساخته و سبب سروردل و جاننش شده‌اند از هیچ کس جز نفس طلعت میثاق برنیاید و توفیقات بی‌مثیل و جاودانه آن قهرمانان در خدمات و مساعی این نسل رو به رشد و ترقّی تجلّی نماید و یادشان چنانکه شاید باقی بماند و تمجید و ستایش گردد. قلب حضرت عبدالبهاء که بر قرب صعودش به عالم بالا آگاه بود چقدر باید مسرور و راضی شده باشد که نخستین ثمرات حاصله از خدمات بین‌المللی آن قهرمانان جمال ابهی را به دیده عنصری ملاحظه فرمود و چون میراث مرغوبی را به آنان عطا فرموده بود در غروب حیات عنصری‌اش با رضایت و سرور اطمینانی راسخ یافت که میراثش را به نفوسی واگذار کرده که از عهده حفظش برآیند و فضیلتش را قدر دانند.

صعود ناگهانی حضرت عبدالبهاء با نتایج غم‌انگیز و پیچیده‌اش هرگز نتوانست از نفوذ چنان قوه محرکه‌ای بکاهد یا مقصد و هدفش را مستور دارد. تقاضاهای پرشور و حرارتی که در الواح وصایای حضرت

عبدالبهاء رقم یافته بود هدف رسالت آن جامعه را تأیید نمود و به تشریح خواص ممیزه‌اش پرداخت و پیروزی‌های نهائی‌اش را وعده داد.

در بحبوحه دردهائی که پیروان ماتم‌زده‌اش کشیدند و در میان گرد و غبار و طوفانی که حملات دشمنان برپا کرده بود نظم اداری امر شکست‌ناپذیر حضرت بهاء‌الله متولد شد و قوای مکنونه نافذه‌ای که با صعود مرکز میثاق حضرت بهاء‌الله رها شده و منتشر گردیده بود در قالب این نظم اعلیٰ و معصوم که وسیله تحقق مشیت‌الله در جهان است متبلور گردید، نظمی که صفات ممیزه‌اش را الواح و صایای حضرت عبدالبهاء آشکارتر و اساسش را اثبات نمود و مبادی و اصولش را توسعه بخشید و لزومش را تأکید نمود و مؤسسات اصلیه‌اش را معین ساخت. آمریکا که امر حضرت بهاء‌الله را به طیب خاطر لیبیک گفت و دعوتش را اجابت نمود حال به حمایت نظم اداری‌اش که بلاشبه مولود الواح و صایای فرزند ارجمندش بود جداً قیام نمود و پس از اعلان چنان سند عظیمی بود که دفاع دلیرانه از نظم اداری بهائی که محور مؤسسات نوزاد و مروج نفوذ و اعتبار امرالله بود به آمریکا و فقط به آمریکا مفوض شد. همچنان که در عصر رسولی بهائیان ایران بودند که تاج شهادت را بر سر نهادند و گوی سبقت بر بودند حال بهائیان آمریکا که پیشاهنگان عصر ذهبی هستند به نوبه خود زمام پیروزی را که با سخت‌کوشی به دست آورده بودند به حق در کف کفایت خویش گرفتند و کارنامه اعمال مستمر و درخشان‌شان بی‌شک و شبهه از سهم ممتازشان در شکل‌بخشیدن به سرنوشت آئین مقدسشان حکایت می‌کند. در جهانی که از درد و عذابهای شدیدی رنج می‌برد و به حقیض هرج و مرج کشیده می‌شود جامعه بهائی آمریکا، علمداران

پیشرو قوای آزادی‌بخش حضرت بهاء‌الله، در سالهای پس از صعود حضرت عبدالبهاء، توفیق یافت تشکیلاتی را تأسیس نماید که در مقایسه با مؤسساتی که در جوامع بهائی شرق و غرب به وجود آمده بود، می‌توان آن را رکن اصلی آن بیت‌العدل اعظمی نامید که در آینده تأسیس خواهد شد و آیندگان آن را آخرین ملجأ و پناه تمدنی رو به زوال خواهند دانست. اما در اجراء وظائفشان نه وسوسه‌خائنان و نه مهاجمه‌دشمنان هیچ یک نتوانست آنان را از مقصد اعلیانشان منحرف و ایمانشان را متزلزل نماید و از سلوک در منهج قویمشان بازدارد. مثلاً اگر اندازات حضرت عبدالبهاء نبود، تشویشی که از اعمال قبیح و پی‌درپی شخصی که شهوت ثروت دنیوی داشت می‌توانست آشوبی به پا کند و حسن شهرت امرالله را ضایع سازد، اما در هیچ یک از اجبآء تأثیری نمود و چون در مکتب بلایا و مصائب پرورش یافته و در حصن حصین تشکیلات سریع‌التموشان محفوظ بودند و ساوس و سخنان زهرآلودش را به پیشیزی نخریدند و جمیع آمال سیئه آن شخص منحرف را با نیت خالص و وفاداری صادقانه‌شان نقش بر آب کردند و از او که به شدت مورد مذمت حضرت عبدالبهاء واقع شده بود با وجود خدمات گذشته‌اش و حرمت و عزتی که به خاطر پدرش و اطرافیانش کسب کرده بود به کلی قطع رابطه کردند. مشتی از گمراهان و فریب‌خوردگان پرحرارت که در اوراق مجلاتشان حملات زیرکانه و سرپوشیده‌اش را منتشر می‌کردند تا امرالله را از پیشرفت بازدارند و از جلوه تشکیلات نوزادش بکاهند کلّ خائب و خاسر گردیدند. رفتاری که زنی بی‌شعور بعداً در پیش گرفت و دعاوی احمقانه بی‌شرمانه‌اش در توهین و ردّ اعتبار الواح و صایای حضرت عبدالبهاء و جهدش در افساد اصول و تعالیم امرالله نیز هرگز نتوانست ادنی شکافی در جمع مؤمنان

دلیرش ایجاد کند. نقشه‌های خائنانه‌ای که به دست دشمنی جدید و منفور و جاه‌طلب طرح شده و هنوز می‌شود تا شاهکار شریف آفریده حضرت عبدالبهاء را ضایع سازد و اصول اداری امرالله را فاسد کند همه به شکست و ناکامی انجامید و مدافعان غیورش حملات متناوب و نابسامان دشمنان عنود امر الهی را که مقصدی جز تخریب حصن حصین و نوزاد امرالله نداشت به کلی خوار و بی‌مایه شمردند و هر چند حملات این دشمن نابکار شدید و توطئه‌اش زیرکانه بود یاران آمریکا سر موئی از ایمان راستخشان منحرف نشدند و به طعنه‌ها و غوغا و سرو صدایش وقعی ننهادند و مقاصد خفیه‌ای که برای اعمال سیئه‌اش انگاشته بود و روشی را که مستمراً به کار می‌برد و احترامی که تا چندی از آن برخوردار بود همه مورد تحقیر و تنفر جامعه بهائی آمریکا واقع شد. این بدعت‌گذاران و مروّجین فساد با استمداد از شهرت یا کاردانی و ثروت زودگذرشان چند صباحی کامیاب بودند اما به همان سرعتی که قد علم کردند به زودی در لجن‌زار عاقبت پرمذلت و رسوایشان فرورفتند.

بهائیان آمریکا از میان چنان امتحانات شدیدی که از بعضی از جهات شباهت به طوفانهای وارده بر یاران ایران در بدو ظهور امر الهی داشت کلّ فاتح و منصور بیرون آمدند و از صراط مستقیمشان منحرف نشدند و نام نیکشان ضایع نشد و میراث مرغوبشان آسیب ندید بلکه بر عکس مجموعه‌ای از توفیقات جدید و باشکوهشان، هر یک بهتر از دیگری، به کارنامه درخشان قدیمشان نور و فروغی بیشتر بخشید. اقدامات و خدمات یاران آمریکا در سالهای تاریک بلافاصله بعد از صعود حضرت عبدالبهاء چنان درخشنده و تابان بود که غبطه و ستایش و اعجاب برادران دیگرشان را در اقالیم دیگر برانگیخت و آن جامعه

مبارکه را که از هر دومی جسته و به جبل اطمینان واثق بسته بودند مجالی پر جلال و امکاناتی درخشان بخشیده و کلّ به اغتنام آن فرصت پرداختند. و همان قوای حیات بخشی که آن جامعه را ایجاد کرد و به ترقّی و تعالی رسانید حال چنان باعث رشد و نموّ سریعشان گشت که هرگز نه احزان جهان بهائی از فقدان حضرت عبدالبهاء و نه تشنّجات این عصر آشفته و منحرف هیچ یک نتوانست آنان را از مساعی جمیله شان بازدارد و مانع پیشرفشان گردد.

در داخل جامعه، یاران آن سامان سلسله اقدامات مهمّی را آغاز کردند تا از طرفی قلمرو روحانیان را وسعت بخشند و نیز وسائل و سائطی را تدبیر نمایند که از لوازم ضروریّه برای ایجاد و استحکام مؤسّساتی است که مستلزم چنان ترقّی و پیشرفتی است. اما در خارج جامعه اقدامات یاران متوجّه دو هدف بود. یکی آن که با قوّتی بیشتر از پیش به ادامه خدمات قابل تحسینی پردازند که مبلغان بین المللی در پنج قاره عالم آغاز کرده بودند. دیگر آن که سهم روزافزونی را در حلّ مشکلات دقیق و پیچیده مواجه با جامعه‌ای که تازه به آزادی رسیده است ایفا نمایند. پیدایش مؤسّسات اداری در آن قاره خدمات جمیله پیشینشان را نمایان تر ساخت و تقویت تدریجی مؤسّسات مذکور را قوّت بخشید.

در این اوراق فقط رئوس مطالب و خدمات مهمّه یاران آمریکا را در داخل و خارج کشورشان که بر قدر و منزلتشان افزود و سبب تجلیل و تکریم اسم اعظم شد می توان مختصراً بر شمرد و بر نسلهای آینده است که از اهمّیت آن زحمات بیان کنند و از قدر و بهایشان تخمینی شایسته

برآوردند. در میان محافل ملیّه در شرق و غرب نمایندگان منتخب جامعه آمریکا بودند که چنین افتخاری نصیبشان شد که اول بار اسنادی را برای اجراء مؤثر و وظائف عمومی محافل تدبیر و تدوین کردند و به آن اعتبار قانونی بخشیدند تا نمونه‌ای برای تمام جوامع بهائی جهان باشد و همه به آن تأسی نمایند و برای خود برگزینند. اقدام تاریخی دیگری نیز که به انجامش موفق شدند تأسیس اوقاف ملی بر اساس متین و دائمی که ایجاد تشکیلاتی را ایجاب می نمود تا بتوانند از طرف امنای محفل برای تمشیت امور موقوفات در خارج از محدوده اختیاراتشان عمل نمایند. دیگر آن که با بذل مساعدت‌های وزین معنوی به برادران روحانی در مصرف ادر گشتند بعضی از مشکل‌ترین موانعی را که احباء در سبیل کوششها و مجاهداتشان برای رهائی از بند تعصبات اسلامی در مقابل داشتند از پیش بردارند و نیز همین نمایندگان جامعه با مداخله به موقع و مؤثرشان توانستند مصائب و خطرهای شدیدی که متوجه هم‌کیشان مظلومشان در اتحاد جماهیر شوروی شده بود دفع نمایند و آشوبی را که خرابی آنی یکی از مؤسسات گرانقدرشان را تهدید مینمود بخوابانند. معاونتهای مادی و معنوی افراد و جامعه بهائی آمریکا بود که در موارد متعددی برادران محتاج و ستم‌زده‌شان را در ایران از مصائب و بلاهای وارده در سالهای بعد از صعود حضرت عبدالبهاء نجات دادند و با تبلیغات عمومی که برادران روحانی آمریکائی‌شان ابداع کردند و اعتراضاتی که وارد ساختند و با دادن عرضحال و تقاضاهائی که به عمل آوردند نتیجه‌اش آن شد که مصائب بهائیان ایران از حملات شدید و مظالم دشمنان بی‌رحم امرالله تسکین و تخفیف یابد. چه کسی به غیر از یکی از نمایندگان ممتاز جامعه بهائی آمریکا قادر بود شکایت اهل بهاء را درباره غصب یکی از

مقدّس‌ترین مقاماتش به دست غاصبین به گوش اعلیٰ‌المقامات جهان رساند و توجّه جامعه ملل را به آن قضیه جلب نماید؟ چه کسی جز آنان می‌توانست با اقداماتی صبورانه و مصرّانه گواهی کتبی در باره صحتّ دادخواهی امر مظلوم و استقلال ضمنی آئین بهائی در آن سازمان را به دست آورد. در آن گواهی کمیسیون دائمی قیومت جامعه ملل چنین حکمی صادر کرد: «کمیسیون توصیه می‌کند که شوری باید از حکومت انگلستان تقاضا کند تعلیمات آکیده به حکومت عراق صادر و نسبت به حفظ حقوق مسلوبه متظلمین (محفل روحانی بهائی بغداد) و دفع تعدّی غاصبین اقدام سریع و عاجل مبذول دارد.»^{۲۶} آیا کسی جز یکی از بهائیان آمریکا توانست از خاندان سلطنت تصدیق‌های کتبی مکرّر در باره قوّه خلاقه و حیات‌بخش امر بهائی به دست آورد که از جهانی‌بودن تعالیمش و عظمتش سخن گوید؟ ملکه (رومانیا) کتباً از جمله چنین شهادت داده است: «آئین بهائی منادی صلح و سلام است و مروج حسن تفاهم در بین انام. سالکان وادی حیرت را که در راه امید پویانند در آغوش خود گرفته و در ظلّ واحد مجتمع ساخته پیامش مصدّق ادیان الهیه است و مبدأش موافق معتقدات سابقه. هیچ بابی را سدّ ننماید و هر سبیلی را مفتوح گذارد و در زمانی که قلبم از مخاصمات متمادیه پیروان مذاهب عدیده و روحم از حمیه جاهلیّه آنان خسته و آزوده، نظرم به تعلیمات بهائی بیفتاد و روح حقیقی حضرت مسیح که اکثراً ندانسته و نشناخته است در آن تعالیم ظاهر و پدیدار گشت. این تعالیم جوهرش وفاق است نه اختلاف، امید است نه قطع رجا، مهر است نه بغضا، اطمینان اعظم

^{۲۶} (نقل از ترجمه قرن بدیع، ص ۷۲۰)

است لمن فی الانشاء»^{۲۷} آیا پیروان آمریکائی امر حضرت بهاءالله نبودند که با اقدامات دلیرانه یکی از افراد با فراستش وسیله شدند تا مواعی که نزدیک به یک قرن بهائیان ایران را از پیشرفت بازداشته و توانشان را گرفته بود از پیش برداشته شود؟ آیا این آمریکا نبود که با توجه به آمال قلبی حضرت عبدالبهاء خلیل روزافزون متمسک‌ترین و فداکارترین افرادش را یعنی زنان و مردانی را که آرزوی جز استحکام اساس سلطه روحانی جهانگیر جمال ابهی در دل نداشتند به سراسر جهان اعزام داشت؟ امروز در شمالی‌ترین پایتخت‌های جهان در اروپا و در اغلب ممالک مرکزی‌اش و در تمام شبه‌جزیره بالکان، در سواحل افریقا و در قارات آسیا و آمریکای جنوبی گروه کوچکی از زنان مهاجر در آن نقاط هستند که یک تنه با دست خالی می‌کوشند تا در راه طلوع روز فیروزی که حضرت عبدالبهاء نویدش را اعلان فرموده بود جد و جهد نمایند. آیا روش و سلوک حضرت ورقه علیا در مراحل آخر حیات مبارکش نسبت به آن عاشقان جمالش در آمریکا گویای این نکته نبود که چگونه آن شریکان بی‌نظیر در فداکاری و استقامتش سبب تخفیف بارگرانی شدند که مادام‌العمر در قلب حزینش سنگینی می‌کرد؟ بالاخره چه کسی انکار تواند کرد که اتمام بنای مشرق‌الاذکار که تاج توفیقات گذشته و حال بهائیان آمریکا است رشته‌ای معنوی پدید آورد که قلوب بانیان غیورش را با حضرت عبدالبهاء که منبع و مرکز میثاق و محبوب جان و روانشان بود به هم پیوندی محکمتر از همیشه زد؟

آمریکا و صلح اعظم

اعلان نشده است. پرچم صلح عمومی که طبق وعده حضرت عبدالبهاء باید در کشور شما بلند شود هنوز به اهتزاز درنیامده. وحدت و اتحادی که پرچم صلح عمومی نشانی از آن است هنوز تحققش بسیار بعید است و دستگاه و سازمانی که لازمه تجسم و محافظت وحدت عالم انسانی است هنوز خلق نشده. آیا آمریکا خواهد بود یا یکی از ممالک اروپائی که زمام رهبری لازم را برای شکل بخشیدن به سرنوشت این عصر پر آشوب در دست خواهد گرفت؟ آیا آمریکا اجازت خواهد داد که دیگر جامعه‌های بهائی در شرق و غرب از او چنان سبقت گیرند و او را از تفوق روحانی که به او عطا شده و تاکنون حفظش کرده محروم سازند؟ یا آن که باز به مدد قوای مکنونه‌ای که پیوسته محرک حیات روحانی اش بوده قیام خواهد کرد و میراث مرغوبی را که محبت و حکمت مولای فقیدشان به آنان عطا فرموده غنی‌تر خواهد ساخت؟

گذشته آمریکا بر قوه خستگی ناپذیر ایمانش شهادت داده است.
آیا آینده اش جز این خواهد بود؟

برادر حقیقی شما، شوقی

حیفا ۲۱ آوریل ۱۹۳۳

America and the Most Great Peace

by

Shoghi Effendi

Guardian of the Bahá'í Faith

Translated and Adapted

by

Hushmand Fatheazam

Published by

Persian-American Affairs Office
National Spiritual Assembly of the
Bahá'ís of the United States
Wilmette 2004

**America and the
Most Great Peace**

by
Shoghi Effendi
Guardian of the Bahá'í Faith

Translated and Adapted
by
Hushmand Fatheazam